



## سخنرانی در همایش فرمانداران سراسر کشور

تلقى اعمال و رفتار مسئولین به عنوان اعمال و رفتار نظام/انتظار/قدرت رئیس جمهور و دولت یک امانت از سوی مردم/صدای رسای مردم ایران در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۲/فراجناحی بودن دولت/رأی مردم به وعده‌ها و تخلف از وعده‌ها، نوعی خلف وعده و خیانت در امانت/قدرت مشروط دولت و مسئولین/وعده‌های انتخاباتی رئیس جمهور/انتخاب دقیق آگاهانه و حساب شده مردم در خرداد ۱۳۹۲/عزم دولت برای عملی کردن وعده‌ها/نهادینه شدن نقد از سوی دولت/استقبال دولت از نقد/تعبیر حق‌الناس در انتخابات/مشورت و احترام به نقد و نظر صاحب‌نظران/اولین درخواست از استانداران، فرماندهان و نمایندگان دولت/لحاظ کل ملت ایران و زندگی آنان در تصمیم‌گیری‌ها/تصور مردم در مورد مدیران اجرایی کشور/علت تلاش بی‌وقفه و نیز تحمل بسیاری از زخم زبان‌ها در مسئله هسته‌ای/لطمه و آسیب به امید و نشاط و لبخند مردم، مسئله‌ای ناگذشتنی/سیاسی تر شدن جامعه/اجتناب از دروغ و خیانت/انتقاد از لحن بی‌ادبانه نسبت به سردار مقدم جبهه دیپلماتیک/مذاکرات هسته‌ای و برخی زخم زبان‌ها/مذاکرات دیپلماتیک با قدرت‌های بزرگ جهانی، گاهی سخت‌تر از شب‌های عملیات/مسئله هسته‌ای، مسئله‌ای ملی/بهانه و توصیه‌های پیش پا افتاده و دست و پاگیر/سطح بالای تخصص تیم مذاکره‌کننده/چرخش چرخ‌های اقتصاد و ساتنریفیوژ/صلح آمیز بودن فناوری هسته‌ای ایران/سال هم‌زبانی و همدلی، سال سیاست داخلی و خارجی/برگزاری انتخاباتی پرشور، رقابتی، آزاد و سالم/ملت ایران، ملتی متکثر و متنوع و آزاد/ممکن نبودن انتخابات بدون رقابت/لزوم فراهم آوردن شرایط رقابت در انتخابات/دولت، مجری قانون/رئیس جمهور هم رئیس دستگاه اجرایی و هم پاسدار حقوق و آزادی مردم و مجری قانون اساسی/آفات و سموم انتخابات/برگزاری انتخاباتی شفاف و رقابتی/قانون، معیار صلاحیت و عدم صلاحیت/مرعوب و مفتون حزب و جناح و جریان و ... نشدن/حضور مردم در انتخابات و برگزاری انتخابات واقعی/انتخابات مبنای مشروعیت سیاسی و دینی/پرهیز از مواضع سوطن و تهمت/لزوم برگزاری انتخابات شفاف هر چند با هزینه

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا و نبينا محمد و آله الطاهرين و صحبه المنتجبين  
إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا

جلسه بسیار مغتنمی است برای من و همکارانم، در جمع مسئولین وزارت کشور، استانداران و فرمانداران سراسر کشور.

شما نمایندگان عالی نظام در سراسر میهن عزیز ایران اسلامی و مسئولین رده بالای اجرای کشور هستید. اعمال و رفتار همه ما به عنوان اعمال و رفتار نظام تلقی می‌شود. مردم تفاوت زیادی بین این و آن قائل نیستند، هر کس در هر سمتی، مخصوصاً در سمت مجری عالی، در کشور حضور دارد، مردم عمل، رفتار، نگاه، برخورد و تعامل او را به عنوان نمونه‌ای از برخورد و تعامل نظام با خود تلقی می‌کنند و به همین دلیل اعمال و رفتار ما اهمیت خاصی دارد و پای خودمان، شهرستان، استان و کشورمان و نیز پای نظام اسلامی حساب می‌شود.

انتخابات ریاست جمهوری خرداد ۱۳۹۲

دو سال قبل در ۲۴ خرداد ۱۳۹۲ دولت به عنوان نماینده و منتخب مردم در یک انتخابات رقابتی پرشور بار مسئولیت را بر دوش گرفت. قدرتی که در اختیار دستگاه اجرایی است، یک امانت است. مردم این قدرت را با صندوق آرا به عنوان امانتی ۴ ساله در اختیار ما گذاشتند. آن زمانی که این امانت را در اختیار ما می‌گذاشتند، همه حرف‌های خودشان را زدند. گفتند ما این قدرت را به شما می‌دهیم، به شرط عدالت، اجرای قانون و تحقق قانون اساسی. انتظار ما از شما یک دولت متعادل و تعامل‌گراست و انتظار ما از شما آن است که اخلاق، راستگویی و امانت‌داری مدنظر شما باشد.

همه شما این صدا را از مردم می‌شنیدید که از اختلافات، دعوای و شعارهای بی‌محتوا خسته شده‌ایم. ما ملت صلح و آشتی هستیم و می‌خواهیم با جهان تعامل سازنده داشته باشیم. در جامعه، خواستار وحدت هستیم. اقوام و اقلیت‌ها باید احترام خود را داشته باشند. ما خواهان یک امنیت پایدار در ایران و منطقه هستیم.

هیچ ندایی نبود که مخفی باشد. همه را آشکار و با صدای بلند شنیدیم. در تمام سخنرانی‌ها آنگاه که سخن از آشتی، صلح، تعامل، رونق اقتصادی، نجات اقتصاد و احیا اخلاق و تعامل سازنده با جهان مطرح می‌شد، مردم با فریاد بلند آن را تأیید می‌کردند. پس ما امانت‌دار هستیم.

ممکن است یک استاندار، فرماندار و وزیر نظرات شخصی و فردی داشته باشد، اما ما به این سمت نیامده‌ایم تا نظرات فردی و شخصی خود را اعمال کنیم. ما در این جایگاه قرار نگرفته‌ایم تا تمایلات جناحی‌مان را اعمال کنیم. ممکن است هر فردی به حزب، جناح و سمت و سویی تمایل داشته باشد، اشکالی ندارد. شعار این دولت، دولت فرا جناحی بوده است، اما وقتی روی صندلی استانداری، فرمانداری، وزارت و ریاست قرار گرفتید باید حزب، جناح، تمایل شخصی، قومی و قومیتی را فراموش کنید شما هستید و خدا و مسئولیت سنگین قانونی برای ملت و کشور، این عهد ما با مردم بوده است. مردم با ما خویشاوندی نداشتند و به دلایل واهی به ما رأی ندادند. خوب دقت کردند. انتخاباتی شگفت‌انگیز که آرا در تهران، مرکز استان، شهرستان، روستا و روستای کوچک، همه مشابه بود و این به معنای یک پیام عمومی از سوی کل ملت ایران بود. مردم به برنامه و وعده‌ها رأی دادند و اگر امروز رئیس‌جمهور، وزراء، استانداران، فرمانداران، بخشداران، مدیرکل‌ها و همه مسئولین به آن وعده‌هایی که به مردم داده شده عمل نکنند، نوعی خلف وعده و خیانت در امانت مردم است.

مردم این قدرت را مشروط در اختیار ما گذاشتند؛ بی‌قید و شرط به ما ندادند. این قدرت برای ما نیست. قدرت امضایی را که امروز به عنوان استاندار و فرماندار تأثیرگذار است مردم و قانون به صورت مشروط به شما داده است؛ هم قانون و هم مردم مشروط این قدرت را به شما داده‌اند. قدرتی را در اختیار گذاشتند که به آن شرط و شرایطی که با مردم داشته‌ایم پایبند بوده و به آن عمل کنیم.

وعده‌های انتخاباتی

تلاش دولت در طول ۲۱ ماه گذشته بر این بوده که ما به وعده‌هایمان به مردم عامل باشیم. ما به مردم وعده داده بودیم که در زمینه تامین زندگی و اقتصاد مردم، آرامش و ثباتی را حاکم کنیم. ما به مردم گفته بودیم دولتی خواهیم بود که اگر برای خرید جنسی به مغازه مراجعه کردید، قیمت‌ها ساعت ۸ صبح با ۹ صبح فرق نداشته باشد. صبح با عصر تفاوت نداشته باشد و امروزش با فردایش تفاوت نداشته باشد. ما به مردم وعده داده بودیم اقتصادی بسازیم که نوسانش همپای نوسان معقول جهانی باشد. وعده داده بودیم ثباتی را در اقتصاد حاکم کنیم که صفی برای طلا، سکه و ارز نباشد. این وعده‌های خود من به صراحت در سخنرانی‌های انتخاباتی است. ما به مردم وعده آرامش دادیم. همه نهادها عین دولت، در برابر رأی مردم مسئول هستند. این رأی مردم تنها برای دستگاه اجرایی نبوده است. یک انتخابات ملی است. البته انتخابات مجلس شورای اسلامی هم ملی است، منتها بر اساس حوزه‌های انتخابیه است، خبرگان هم ملی است ولی حوزه‌اش استانی است؛ اما یک انتخابات است که همه مردم در همه استان‌ها و حوزه‌های انتخابیه پای صندوق آرا می‌روند و به یک نفر به عنوان رئیس جمهور و به برنامه او رأی می‌دهند. یک بار در هر ۴ سال وقتی مردم مطالبات، نظرات، فکر و رویکردشان را نزدیک‌تر با یکی از کاندیداها ببینند، به آن کاندیدا رأی می‌دهند.

اگر بین نفر اول و دوم انتخابات اختلاف رأی یکصد هزار رأی بود می‌گفتیم خیلی تفاوت نیست اما در این انتخابات بین نفر اول و دوم ۱۳ میلیون اختلاف رأی بوده است. این به معنای آن است که مردم دقیق، آگاهانه و حساب‌شده مسیری را برگزیدند و انتخاب کردند.

ما در برابر ۲۴ خرداد ۱۳۹۲، بار مسئولیت سنگینی را بر دوش داریم. باید به تمام آن وعده‌ها عامل باشیم و عمل کنیم. احساس من این است که دولت همه توانش را برای اجرای آن وعده‌ها به کار گرفته است. البته طبیعی است که نقص داشته باشیم و در این راه توفیق ما صددرصد نباشد. اما جهت‌گیری این دولت درست و صحیح بوده است. اینکه امروز بخش خصوصی آماده است سرمایه خود را روی زمین مستقر کند و حتی سرمایه‌داران و کارآفرینان ایرانی مقیم خارج از کشور یا خارجی‌ها برای سرمایه‌گذاری اظهار تمایل می‌کنند، به معنای آن است که راه دولت درست بوده و غلط نبوده است. اینکه امروز مردم حرص و ولع ندارند که جنس را در پستوی خانه انبار کنند، به معنای آن است که راه دولت درست بوده است. اینکه امروز صف‌های طولانی تحقیرکننده در تهران و شهرستان‌ها نداریم، به معنای آن است که راه دولت درست بوده است.

اینکه امروز عده‌ای آزادانه و به راحتی بدون لکنت زبان از دولت انتقاد می‌کنند به معنای راه صحیح دولت است. همه به دولت اعتماد کردند که این دولت به وعده‌اش عمل کرده است که انتقاد پذیر است. هیچ قوه‌ای امروز در کشور نیست که مردم بدون دغدغه و لکنت زبان از آن انتقاد کنند، جز دولت. شما به کسی بگویید از مجلس انتقاد کند. می‌گوید مجلس؟! چطوری؟ از کجای مجلس؟ از کدام قسمت مجلس؟ از قانون مجلس؟ از نطق‌های مجلس؟ از نحوه بررسی؟ نه آقا ما را رها کنید بگذارید زندگی کنیم. بگویید از قوه قضائیه انتقاد کنید. می‌گویند قوه قضائیه؟ تو را به خدا بگذارید ما زندگی کنیم. اما بگویید از رئیس جمهور و دولت انتقاد کنید. بله، زبان باز می‌شود و گل از گل شکفته می‌شود.

این به معنای آن است که مسیری که دولت انتخاب کرده مسیر درستی است. ما باید نقد شویم و باید از ما انتقاد کنند. ما دارای عصمت نیستیم. متأسفانه یا خوشبختانه خواب هم نمی‌بینیم، به فال و فالگیر و جن‌گیر هم از اول اعتقاد نداشتیم. مبنای ما مشورت با صاحب‌نظران، انجمن‌ها و جمع‌های تخصصی است. قرار ما این بوده که با آنها شور کنیم. دوستان اقتصادی و جمع اقتصادی که با من کار می‌کنند، می‌دانند در بسیاری از مسایل اقتصادی چون نظر من با جمع مخالف

بود آن را کنار گذاشتیم. همین الان هم معتقدم نظرم درست بوده و اتفاقاً در بعضی از جلسات می‌گویند نظر شما آن روز درست بوده است، ولی نه، درست این بوده که من به رأی اکثریت عمل کنم. وقتی در جمعی پانزده بیست نفر صاحب‌نظر و اقتصاددان هستند و دوازده نفر نظری واحد دارند، نمی‌شود از آن تخلف کرد. مال شخصی من نیست، اگر مال شخصی ما بود و تخلف آسان بود، پاسخش هم روز قیامت سخت نبود اما این برای مردم است.

این حق‌الناسی که مقام معظم رهبری در بحث انتخابات فرمودند، فقط در بحث انتخابات نیست، هر تصمیمی که اتخاذ کنیم و به زندگی مردم مربوط شود، حق‌الناس است. بنده و جمع وزیران اگر تصمیمی می‌گیریم که یک واحد درصد تورم را بالا می‌برد، یعنی چه؟ یعنی در زندگی و مال مردم تأثیر دارد و این یعنی حق‌الناس. اگر تصمیمی اتخاذ کنیم که مسیر اقتصادی ما مسیر رشد منفی باشد، یعنی چه؟ در دولت گذشته در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ - که حالا بخشی از ۱۳۹۲ ما هم بودیم - مجموعاً حدود نه درصد رشد منفی داشتیم. در سال ۱۳۹۱، ۶/۸ و در سال ۱۳۹۲، ۱/۹ که در مجموع می‌شود چیزی حدود نه درصد. یعنی چه ۹ درصد؟ یعنی هر کس در جیبش صد تومان بوده نه تومان آن را برداشتیم. رشد منفی اقتصادی یعنی از ثروت مردم کاستیم. البته اگر بخواهیم رشد جمعیت را هم حساب کنیم، کاهش درآمد سرانه از این نه درصد هم کمی پایین‌تر می‌آید و حدود ده درصد می‌شود. باید در تمام تصمیم‌گیری‌هایمان کل ملت ایران و زندگی آنها را پیش‌روی خودمان قرار دهیم.

اولین درخواستم از استانداران، فرمانداران و نمایندگان دولت در سراسر کشور این است که مسیر ثبات اقتصادی، آرامش بازار، تشویق مردم به سرمایه‌گذاری و حرکت به سمت رونق اقتصادی، عنوان اساس حرکت ما باشد.

از هر چیزی می‌شود گذشت اما - من در یکی دو سخنرانی اشاره کرده‌ام - اگر گروه و دسته‌ای بخواهند به امید مردم نسبت به آینده لطمه بزنند، قابل گذشت نیست. خالق این امید و نشاط و لبخند خود مردم هستند. چه نعمتی بالاتر از اینکه شما استاندار و فرماندار و وزیر در خیابان که راه می‌روید، در استان و شهرستان و کشور خودتان چهره مردم را بشاش ببینید؟ این بالاترین مزد الهی است؛ بشاشیت چهره مردم، لبخند بر لبان مردم و احساس راحتی مردم در زندگی؛ وظیفه ما این است که مردم را خوشحال کنیم و باری را از دوش مردم برداریم. البته راه طولانی را در پیش داریم. مذاکرات هسته‌ای

چرا دولت در زمینه هسته‌ای این همه تلاش می‌کند و گاهی زخم زبان‌های بسیار زشت را تحمل می‌کند؟ برای اینکه در مذاکرات هسته‌ای باید زندگی مردم در توفیق و عدم توفیق مذاکرات، اقتصاد، بازار و ارزش پول ملی مردم، همه چیز مدنظرش باشد. یک عامل این ثباتی که امروز در کشور می‌بینید آن است که تصور مردم بر این است که - ان شاءالله حق و درست باشد و خدا توفیق بدهد که همان‌طور شود - در دولت و دستگاه اجرایی یک مشت افراد، صاحب‌نظر و متخصص راستگویی و متدین نشسته‌اند و عاقلانه برای آینده کشور تصمیم می‌گیرند.

تمام امید مردم در این مستقر است. البته طبیعی است که این ایام خداوند نعمت نازل کرده و همه جا، همه متخصص حقوق و امنیت ملی شده‌اند، همه سخنور و سخنران شده و مسائل ملی را مطرح می‌کنند. خوب است و جای خوشبختی دارد که جامعه ما که همیشه سیاسی بوده، سیاسی‌تر شده است.

اما این نکته مهم است که به مردم دروغ نگوییم. این دروغ آشکار خواهد شد، امروز نباشد، فردا آشکار خواهد شد. در امانت مردم خیانت نکنیم که اگر امروز آشکار نشود، فردا آشکار خواهد شد. ما باید با راستگویی با مردم سخن بگوییم. چه کسی حق دارد با لحن بی‌ادبانه نسبت به سردار مقدم جبهه دیپلماتیک حرف بزند؟ کی حق دارد؟ از کجا این بی‌ادبی

و این زبان زشت و بد، تند حرف زدن و بی‌احترامی کردن نازل شده است؟ همه ما، همه مؤمنین، همه مردم و همه ایرانیان عزیزند و باید محترم باشند، مخصوصاً آنهایی که امروز خدمت بیشتری انجام می‌دهند.

بگذارید این مذاکرات تمام شود و با موفقیت به پایان برسد به حول و قوه الهی و با کمک روح بلند پیامبر و ائمه هدی (ع) و توجهات حضرت ولی عصر ارواحنا التراب مقدمه الفدا - بعد برای مردم شرح می‌دهیم که اینها چه کشیدند. چه سختی‌هایی بود. خیلی از شماها در جبهه بودید، من هم گاهی لیاقت داشتم در جبهه بودم. خیلی از شما مذاکرات سیاسی را به خوبی می‌دانید، من هم در مذاکرات سیاسی بوده‌ام. گاهی مذاکرات دیپلماتیک با قدرت‌های بزرگ جهانی، سخت‌تر، پیچیده‌تر و دلهره‌آورتر نسبت به شب عملیات در میدان جنگ است، چون در میدان عملیات یا زنده می‌مانید یا شهید می‌شوید که هر دو افتخار است. اما در این میدان اگر شکست بخورید یک ندامت و پشیمانی بلند تاریخی است و اگر هم پیروز شوید، باز هم عده‌ای زخم زبان خواهند زد و با حیثیت شما بازی خواهند کرد.

اینجا جای بسیار سخت و مشکلی است. دولت با تدبیر مذاکرات هسته‌ای را پیش می‌برد و خود این روزها باید نشاط در جامعه باشد، خود این حرکت به سمت جلو، درست است که ما هنوز به پیروزی و موفقیت نهایی نرسیده‌ایم، اما تا امروز قدم‌های بلندی را به جلو برداشته‌ایم. مردم باید شاد و خوشحال باشند. در اقتصاد و فرهنگ و جامعه و وحدت ملی آثارش را ببینیم. نمی‌دانم عده‌ای این حنظل را از کجا آورده‌اند و هیچ وقت نمی‌خواهند کام مردم شیرین باشد. از لبخند مردم می‌ترسند، نمی‌دانم این چه سری است؟

بگذاریم کام مردم شیرین باشد. مسئله هسته‌ای مسئله این جناح و آن جناح نیست، مسئله این حزب و آن حزب نیست، مسئله این قوه و آن قوه نیست، مسئله هسته‌ای یک مسئله ملی است و بار آن بر دوش نظام است و این نظام است که قدم به قدم این راه را به جلو می‌برد تا به هدف برسد.

می‌گویند اسرار کشور باید محفوظ بماند. مگر کسی در این مسائل شک دارد که اسرار کشور باید محفوظ بماند. حال اگر رهبر معظم انقلاب نصیحتی می‌کنند، ایشان رهبرند و باید نصیحت و ارشاد کنند، اما همه راه می‌افتند، همه توصیه دارند، می‌گویند دولت! وقتی تشنه شدی باید آب بخوری، حواست باشد! بله، خودمان می‌دانیم اگر تشنه شدیم باید آب بخوریم! همه به توصیه می‌افتند، دولت! اکسیژن لازم است و یکی دو دقیقه بیشتر نمی‌شود تحمل کرد! والله ما هم می‌دانیم اکسیژن لازم است.

افرادی که امروز مسئولیت مذاکرات را بر عهده دارند، از لحاظ سیاسی، حقوقی، فناوری و فنی در سطح بالایی تخصص هستند، اگر نگویم بهترین متخصصین کشورند. در عین حال نقد اشکالی ندارد. اگر کسی انتقاد و نقدی دارد، آن نقد را مطرح کند، طوری نیست؟ اما باید بدانیم که مردم در این انتخابات به این امر مهم رأی داده‌اند که چرخ اقتصاد و زندگی مردم همراه با سانتریفیوژ باید بچرخد. این رأی مردم است. بر مبنای آرا و نظرات مردم و چارچوب‌هایی که مدنظر نظام است و خطوط قرمزی که ترسیم شده که تیم هسته‌ای ما هم می‌داند و هم بلد است که چگونه حرف بزند و سخن بگوید و در مسیر درست حرکت می‌کند.

تیم مذاکره‌کننده در یک کارزار بین‌المللی باید امیدش بعد از خداوند به ملت بزرگ باشد، که این ملت پشتیبان است. البته که ملت پشتیبان است. به نظر من همان‌هایی که گاهی طور دیگری حرف می‌زنند، ته دلشان آنها هم پشتیبان هستند. همه ما پشتیبان هستیم تا این را به دنیا ثابت کنیم که فعالیت هسته‌ای ایران برخلاف ادعای بدخواهان، صلح‌آمیز است؛ تا به دنیا ثابت کنیم، آنچه در ایران به عنوان فناوری هسته‌ای به دست می‌آید به نفع ملت ایران و ملت‌های منطقه

خواهد بود و به ضرر کسی نخواهد بود، علی‌رغم آنکه بدخواهان ترسیم می‌کنند.

ما می‌خواهیم به ملت بزرگ ایران بگوییم این ملت آنقدر توان و قدرت دارد که می‌تواند به راحتی پای میز مذاکره در برابر بزرگ‌ترین قدرت‌های جهان، حقوق خود را به کرسی بنشانند و از حق ملت ایران به خوبی دفاع کند و تحریم ظالمانه را از دوش و زندگی مردم بزداید.

انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجل خبرگان رهبری

ما در این راه باید متحد و منسجم حرکت کنیم. گفتند امسال سال سیاست داخلی است. همین‌طور است، اما هم‌زمان سال سیاست خارجی است. ان‌شالله هم‌زمان سال رونق اقتصادی هم باشد، به حول و قوه‌الهی. هم‌زمان سال همدلی، هم‌زمانی و انسجام در ملت ایران هم خواهد بود.

دولت یازدهم در برابر امتحان و تجربه بزرگی قرار گرفته است. اگر این جناح در انتخابات پیروز شود، اما انتخابات دقیق و در چارچوب قانونی و سالم نباشد ما شکست خورده‌ایم و آن جناح پیروز است. اگر آن جناح پیروز شود اما انتخابات دقیق و قانونی نباشد، باز هم ما شکست خورده‌ایم. این جناح و آن جناح پیروز شود یا نشود، پیروزی دولت در این است که امسال یک انتخابات پرشور، رقابتی، آزاد و سالم به حول و قوه‌الهی برگزار کند. این پیروزی ماست، حال هر جناحی که پیروز شود.

اولاً هیچ جناحی در کشور قابل حذف نیست، نه این طرف و نه آن طرف و نه وسطی‌ها، همه هستند. این جناح‌ها ریشه‌های فکری، تاریخی، عقیدتی و دینی و علمی دارند. این جناح هست، آن جناح هم هست، جناح و حزب به یک معنا از بین نمی‌رود، آن افکار می‌ماند. ممکن است شکل و اسم حزب عوض شود، اما افکار می‌ماند.

ما ملت متکثر و متنوعی هستیم. ایران مثل فلان کشور شرق دور نیست که همه پادگانی زندگی کنند. اینجا مردم آزاد هستند، حرف می‌زنند و نظر می‌دهند، افکار و نظرات متنوع دارند. در این کشور جامعه متکثر و آزادی داریم. در این جامعه افکار و جناح‌های متفاوت هستند. اتفاقاً اگر ما در آینده مجلس شورای اسلامی‌ای داشته باشیم که فقط یک جناح خالص در آن باشد و هیچ جناح دیگری نباشد، فکر می‌کنید خوب است؟ اصلاً مجلس خوبی نیست. مجلسی خوب است که این جناح و آن جناح در آن باشند، حالا اگر حزبی اکثریت پیدا می‌کند، این اشکالی ندارد و نظرات مردم حاکم است.

نکته دوم اینکه انتخابات بدون رقابت امکان‌پذیر نیست. انتخاب یعنی چه؟ یعنی بین چند چیز یک چیز را برگزینید والا اگر یک چیز باشد انتخاب معنی ندارد. اگر ما سه چیز جلوی شما بگذاریم و بگوییم حتماً باید این را انتخاب کنید، می‌گویید: دستور بفرمایید ما اجرا کنیم. این دیگر انتخاب نیست. اصلاً انتخابات آزاد که ما می‌گوییم برای این است که قید توضیحی باشد والا انتخابات غیر آزاد معنی ندارد و انتخابات نیست، اگر انتخابات شد یعنی آزاد است. اگر انتخابات به معنای واقعی کلمه بود یعنی در آن رقابت هست، یک رقابت سالم.

همه ما باید شرایط این رقابت را فراهم کنیم. از امروز شروع نشود که آن آقا نباید بیاید در این شهر صحبت کند، چون فلان است و مسائل مشابه. اینقدر برچسب داریم، نمی‌دانیم این برچسب‌ها از کجا تولید می‌شود؟ هر ساعت برچسب‌های جدید تولید و چسبانده می‌شود، چطور ما می‌خواهیم دنیای اسلام را به الگوی جمهوری اسلامی دعوت کنیم؟ مگر بنا نیست این الگو را به عنوان الگوی همه مسلمانان و مستضعفان قرار دهیم؟ در درون جامعه خودمان همه ما انقلاب، امام (ره)، رهبری و قانون اساسی را قبول داریم. اگر کسی قانونی نیست که نیست و نباید فعالیت کند. بگذاریم هر گروه، حزب و جناحی که قانونی است، فعالیت قانونی کند.

اگر دولت در انتخابات وارد می‌شود به این معنا نیست که بخواهد حامی این جمع یا آن جمع باشد، به هیچ عنوان وارد چنین جریانی نخواهد شد. دولت حزب و جناح نیست؛ دولت فرای جناح، حزب، جمع‌ها و تشکل‌های سیاسی است. دولت مجری قانون است و قانون را باید اجرا بکند. البته دولت باید پای خود را از رقابت‌های سیاسی کنار بکشد. این به معنای آن نیست که شبه دولتی‌ها یا شبه دولت‌ها بیایند. معنی‌اش این نیست که سایر قوا و جمع‌های دیگر قدرتمند حق داشته باشند وارد شوند.

من همین جا اعلام می‌کنم، در ماجرای انتخابات که در اسفند به حول و قوه‌الهی اجرا خواهد شد. (هم انتخابات مجلس شورای اسلامی و هم انتخابات مجلس خبرگان) رئیس‌جمهوری به عنوان مجری قانون اساسی وارد عمل خواهد شد. رئیس‌جمهور دو حیثیت دارد؛ یک حیثیت رئیس دستگاه اجرایی است که وظایفی بر عهده دارد و یک حیثیت دیگر پاسدار حقوق و آزادی مردم، مجری قانون اساسی، پاسدار حقوق ملت، پاسدار اخلاق و دیانت است؛ این وظایف رئیس‌جمهور است. نکند ما به خاطر یک انتخابات، دینمان را برای دنیای دیگری بفروشیم که این آقا می‌خواهد وکیل بشود؟ هر که بهتر است وکیل شود.

مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری جایگاهی بسیار مهم و رفیع دارد و بسیار مهم است که مردم در میان افراد صاحب صلاحیت بهترین و اصلح را برگزینند، این وظیفه آنهاست.

مباد در شهرستانی به سمع و گوش کسی این حرف بخورد که دولت طرفدار این و آن است؛ سپاه، ارتش، صدا و سیما، استاندار، فرماندار، دفتر امام جمعه طرفدار این یا آن است. این یعنی سم برای انتخابات.

همه مقامات مسئول، همه قدرت‌ها، مسلح و غیرمسلح، همه مسئولین رده بالای کشور که مسئولیت‌شان فرای حزب و جناح است، نباید کاری کنند که حتی این تهمت به آنها زده شود. در واقعیت که ان‌شالله نخواهد بود، اما شیوه عمل نباید به گونه‌ای باشد که به آنها تهمت زده شود.

بگذاریم یک انتخابات شفاف و رقابتی برگزار شود؛ انتخاباتی که همه مردم مطمئن باشند وزارت کشور رأی آنها را به عنوان حق الناس به امانت می‌برد تا به کرسی بنشانند؛ هر چه که رأی مردم هست. هیئت‌های اجرایی، هیئت‌های نظارت و شورای محترم نگهبان، همه وظیفه سنگینی بر دوش دارند.

معیار صلاحیت و عدم صلاحیت در چارچوب قانون بر مبنای گزارش مراجع قانونی است نه چیز دیگر. به هیچ وجه نمی‌توانیم در انتخابات به شایعات و اتهامات توجه کنیم. اتهام باید در یک دادگاه صالح بررسی شود، خود متهم و وکیل او دفاع کند و رأی داده شود. ما که قاضی نیستیم. صلاحیت سنج هم همراهان نیست. معیار ما قانون است. طبق قانون و معیارهای قانونی.

من در اینجا به همه فرمانداران و استانداران عزیز وزارت کشور به صراحت می‌گویم در ماجرای انتخابات در برابر هیچ حزب، گروه، جریان و فشاری مرعوب نشوید. البته در برابر هیچ جریانی مفتون هم نشوید؛ فقط آنچه حق و عدل است. در انتخابات باید عدالت باشد. عدالت یعنی فرصت برابر برای همه. اولاً امکانات دولتی، پول دولتی، فضاها دولتی یا نباید برای هیچ‌کس باشد و اگر هست باید برای همه باشد. اگر می‌خواهیم مثلاً جایی را هم اجاره بدهیم و پول بگیریم، باید برای همه باشد. همه فضاها باید عادلانه و برای همه باشد. هیچ‌کس احساس غبن و ظلم نکند.

یکی از افتخارات بزرگ جمهوری اسلامی ایران حضور مردم در پای صندوق رأی است. این از افتخارات بزرگ ماست. خدا رحمت کند امام (ره) را که در این ایام به یاد و نام او هستیم و به یک معنا هفته اوست؛ از آن همه نعمت‌هایی که با

لطف حق برای ما آورد یکی‌اش همین صندوق آرا بود. البته قبلا هم بود اما نمایشی بود. افرادی انتخاب می‌شدند و صندوق هم می‌آوردند و کارهایی تزیینی و تشریفاتی می‌شد. ما انتخابات واقعی می‌خواهیم.

انتخابات به یک معنا نه تنها مبنای مشروعیت سیاسی، حتی مشروعیت دینی است. یک بخش از مشروعیت دینی هم با رأی و نظر مردم است. رأی مردم خیلی مهم است. قبل از اینکه غرب بگوید صندوق رأی و انتخابات، قرآن به ما و امرهم شورا بینهم را آموخت. مبنای ما نظرات و جمع مردم است.

بنابراین کاری کنیم که در این انتخابات عدالت اجرا شود، هیچ جا هم سوظن بوجود نیاید. اگر صندوق می‌گذارید، صندوق پلاستیکی شفاف باشد که همه رأی را از دور ببینند. معنا ندارد مقوا و چسب دور آن بزنیم. صندوقی باشد که همه ببینند. من رأی خود را ببینم که داخل صندوق می‌افتد. رأی قبلی هم دیده شود. بگذارید همه چیز شفاف باشد تا فردا به دروغ به من نگویند که یک سوم این صندوق پر بود. برای چه دور آن پارچه می‌پیچید که این اتهامات زده شود؟ اتقوا من مواضع التهم، از مواضع اتهام پرهیز کنیم. حالا ما مهم نیستیم گاهی به نظام تهمت زده می‌شود. همه چیز شفاف باشد. حتی اگر ممکن است وقتی رأی را می‌شمارید در جایی دوربین بگذارید همه ببینند. چه اشکالی دارد، همه مشاهده کنند.

کاری کنید که یک انتخابات شفاف برگزار شود. حال ممکن است بعضی خرج‌ها هم داشته باشد، اشکالی ندارد می‌ارزد که ما هزینه آن را تحمل کنیم تا ان‌شالله یک انتخابات خوب، سالم، رقابتی، شفاف و مایه آبروی نظام باشد و همان‌طور که مقام معظم رهبری فرمودند این آرای مردم و صندوق‌ها را حق الناس و امانت بدانیم و بدانیم که در دنیا و آخرت باید پاسخ این را بدهیم و ان‌شالله امانتدار خوبی باشیم.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته